

به‌دشمن‌سازی تازه

نیاز نداریم!

احسان محمدی نزدیک به ۳۰ سال پیش که دانش‌آموز دبیرستان بودم، دفتری داشتم که در آن جمله‌هایی را که از کتاب‌ها و مجلات و روزنامه‌ها به نظرم جذاب می‌آمد در آن می‌نوشتم. دفتر را سال ۸۱ به دوستی هدیه دادم که احساس کردم بیشتر از من شیفته‌اش شده اما یکی از جملاتش توی مغز حک شده: «در وقت تَنگِ جنگ، هر چه داند بخور، هر چه نوشتند بخوان!»

منظور نویسنده این بود که جنگ آنقدر بی‌رحم است که حق انتخاب زیادی به آدم ندهد، نه دست آدم گرسنه «منو» می‌دهد که از میان آن، غذای مطلوبش را انتخاب کند و نه امکان دست یافتن آزادانه به خیرها وجود دارد. برای همین در شرایط گرسنگی جنگ هر چه دست می‌رسد بخور و هر چه نوشتند بخوان، شاید را درست‌تری پیدا کردی.

به تجربه ۲۷ سال کار رسانه می‌دانم که بسببِ اِز آزادی تصمیم‌گیران کشور در روزهای صلح آنقدر سرشان شلوع بود و به حرف‌ها و بوَلَن‌های خواربون اعتماد داشتند که نیازی به خواندن نقد و نظر مخالف نمی‌دیدند و حتی ممکن بود آن را از سر «عناد و دشمنی و حسادت» ترجمه کنند در جنگ که دیگر اوضاع مشخص است.

اما ما که به بیماری نوشتن و عشق به وطن مبتلاییم کماکان می‌نویسیم. می‌فهمم که وسط جنگ، زمان کالبدشکافی گذشته نیست، اینکه برخی تلخی‌ها و تندئی‌ها در داخل کشور باعث شد جمعیتی از جوانان بر تنی‌های دلسوز نیست اما چرا تندروها کشور را از دست بدهند، به کشور و رسانه‌های داخلی پشت کنند و هر دروغ و جعل خبر و آمارسازی رسانه‌های بیرونی را چشم بسته باور کنند و دشمنان رند هم از آب کره گرفتند و شکاف‌ها را عمیق‌تر کردند.

بر دشمنان حرجی نیست اما از تندروها کماکان به سیاست پر خسارت کینه‌ورزی و خط‌کشی درون کشور ادامه می‌دهند؟ بحث بر سر اختلاف نظر نیست، بر سر ادامه سیاست تحکیم و تهدید و حذف افرادی است که اتفاق ریشه در این کشور دارند و ثابت کرده‌اند دلسوز و منطند.

بی‌خطرترین مثال برای این ماجرا، همان مجری تلوزیون است که در بحبویه جنگ با خط و نشان کشیدن برای دختران ملی‌پوشی که در آن‌ها زنبور استرالیا بودند آنها را ترساندند و دشمن را جسور کردند که پیشنهاد پانهدگی بدهند و در آخر هم موفق شدند دو دختر ایران را از وطن جدا کنند. آن دخترا اگر اشتباه کردند راه حلش رجز خواندن و ترساندن آنها بود؟

این سیاست هنوز هم ادامه دارد. من بخش بزرگی از زندگی، کودکی و حتی خانواده‌ام را در جنگ تحمیلی از دست دادم، بی‌رحمی جنگ و تبت‌ات آن را می‌فهمم و می‌دانم جنگ تحمیلی جدید که به واسطه همدستی شیطانی چون «تئاتیاهو» و دیوانه شهرت‌طلبی به نام «دوئالد ترامپ» آغاز شده می‌باشد.

تا همین امروز هم مقاومت جانانه ایرانیان ما را به کشوری بسیار قایل احترام در دنیا تبدیل کرده است که مقابل زور سر خم نمی‌کند و باسن ابرقدرتی را نمی‌پوسد! اما به همان اندازه که باید نسبت به «دشمنان» سرسخت باشیم لازم است با «دوستان» مدارا کنیم.
به همان اندازه که باید موشک شلیک کنیم، باید زیرکانه به مذاکره فکر کنیم و راه آن را ببندیم و هر کس از آن حرف می‌زند را منافع و دشمن و خائن لقب ندهیم.

البته که نباید از موضع ضعف و شکست و حقارت

تن به مذاکره بدهیم اما هر جنگی بالاخره یک روز تمام می‌شود و چه بهتر که با خسارات کمتر و

از موضع اقتدار صورت بگیرد و قطعاً تجربه جنگ

تحمیلی و فتح خرمشهر و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و … از یاد نرفته است.

البته به عنوان شهروند هیچ اطلاعاتی از میزان موشک‌ها و تسلیحات دست‌نخورده ایران برای ادامه حملات، ذخایر غذایی و ابزارهای مقاومت در مقابل یک جنگ طولانی مدت یا حتی راهکارهای پیش‌بینی شده در خصوص احتمال صدمه دیدن نیروگاه‌های برق یا منابع آب نداریم و نیروهای نظامی در این ۳۵ روز به خوبی نشان داده‌اند که چه دل‌اورانی هستند و چطور جهان را شگفت‌زده کرده‌اند و کارشان را بلندن اما ما هم سالهاست کارمان سر و کله زدن با مردم و شنیدن یا بازتاب دادن حرف‌های آن‌ها در حد توان بوده است.

یکی از آن نکات این است که بی‌رحمی‌های دشمن و هوش ایرانیان و عشق مشترک به سرزمین مادری، یکبار دیگر گسل‌های ایجاد شده در جامعه را به هم نزدیک کرده است، از آن برای آینده ایران بهره بگیریم، ما فردای جنگ به هم نیاز داریم، دشمن تازدی داخلی خلق نکنیم، کینه تازه تولید نکنیم، تفرقه جدید نیافرینیم.

قطعاً باید خائنان به وطن مجازات شوند هر کسی که با کلمه و قلم و سوت و کف و راهکار در زمین دشمنان ایران بازی کرد باید تاوان وقاحتش را بدهد اما درون کشور نیاز به همدلی داریم، به مهربانی بیشتر، به تحمل و مدارا … به ویژه در میان افراد کلیدی که در جایگاه تصمیم‌گیری قرار دارند در وقت تنگ جنگ، بین خودمان دشمن خلق نکنیم، این کار، دشمنان ایران را خوشحالت‌ر می‌کند. چند بار باید در چاه تفرقه‌ها بیفتیم تا درس بگیریم؟

قالیباَف: فرماندهان باتجربه ارتش آمریکا نمی‌خواهند بله‌قربان‌گوی یک مجری تلویزیونی باشند

رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به اخراج فرماندهان باتجربه ارتش آمریکا توسط پت هگست وزیر جنگ آمریکا تصریح کرد، این فرماندهان نمی‌خواهند بله‌قربان‌گوی یک مجری تلویزیونی باشند.
محمدباقر قالیباف شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ در پستی به زبان انگلیسی در حساب کاربری خود در شبکهٔ ایکس نوشت: گزارش وضعیت:

محاكمه ديپلماسی



خواجه بود.

حسین شریعتمداری: موارد ظریف خواسته‌های دشمن است: قوه قضاییه دست به کار شود
در پی این پیشنهادها که در مقاله ظریف آمده، تندروهای داخلی مجدداً وارد میدان آمدند و به موضع گیری علیه ظریف پرداختند. از جمله حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان که پیشنهادهایی مثل «محدودیت در برنامه هسته‌ای ایران»، «کشایش تنگه هرمز»، «تش‌س» و «امضای معاهده عدم تجاوز» را خواسته های دشمن خوانده و می نویسد: این موارد تماماً و بی‌کم‌وکاست خواسته‌های ترامپ و نتایجوه است که این روزها پس از ناکامی در حمله نظامی به آن روی آورده و با صدها زبان و قلم از سوی مقامات رسمی آمریکا و رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود و در همان حال، ده‌ها واسطه اروپایی و منطقه‌ای با پیام‌هایی از همین دست به مسئولان کشورمان مراجعه کرده و می‌کنند.»

شریعتمداری در پایان یادداشت خود از قوه قضاییه خواسته که ظریف را بازخواست کند.

توهین و تهدید ظریف در خیابان

سعید حدادیان مداح مشهور نیز فرد دیگری بود که در یک تجمع شبانه خیابانی به این موضوع واکنش نشان داد؛ واکنشی که با اتهام و تهدید همراه شد. حدادیان گفت: آقای ظریف سه روز وقت دارد بگوید غلط کردم‌اگر دوستان آمدند و گفتند فضا دو قطبی نشده‌ام هر از خیلی از حرف‌ها ناراحتم،بعضی از آن‌ها می‌گویند«ما شک نداریم ظریف جاسوس است.»

او خطاب به نیروهای امنیتی گفت: آقایان امنیتی! دیگر منتظرید آقای ظریف روی پیشانی اش بنویسد من خودفرخته آمریکا هستم؟ آقای ظریف شما غلط می‌کنی برای جمهوری اسلامی ایران نسخه می‌پیچید. غلط می‌کنی حرف بزنی! هر کور و کرولائی می‌فهمد که تو خائنی. او سپس برای نیروهای امنیتی ضرب‌العجل تعیین کرد که وارد عمل شوند و گرنه همراه با کاروان به سمت خانه ظریف خواهد رفت: «پشت این مردم به شما گرم است. اگر شما کاری نمی‌کنید من سه روز وقت می‌دهم. اگر نگویید غلط کردم کاروان می‌شویم و می‌رویم دم خانه اش».

البته در بین مداحان نیز بودند افرادی که مخالف مشی حدادیان و نه فتوای کلامش بودند. مهدی رسولی در بخشی از توییت خود نوشت: «حواشی بی‌فایده، مکمل نقشه دشمن است.به فرمایش رهبر عزیزتر از جانمان از نقاط مورد اختلاف صرف نظر می‌کنیم.» میثم مطیعی هم در سخنانی خواستار بی‌توجهی به اظهارات ظریف و روحانی شده و آنها را درجه صدم خواند!

قوه قضاییه روحانی و ظریف را دستگیر کند

حمید رسایی نماینده تندرو مجلس نیز پس از مدتی، سکوت خبری خود را با اتهام زنی به حسن روحانی و ظریف شکست. او با بیان اینکه آمریکا دست به دامن حسن روحانی ومحمد جواد ظریف شده نوشت که روحانی و ظریف نشان داده‌اند که نقش موشک‌های آمریکایی را بر عهده دارند و اذهان مردم را هدف قرار گرفته‌اند.

سپس با ادبیات تهدیدآمیزی ادامه داد که برای خنثی کردن این موشک

زنرال‌های باتجربه ارتش آمریکا حاضر نیستند بله‌قربان‌گوی یک مجری تلویزیونی باشند که می‌خواهد جان آمریکایی‌ها را فدای توهمات اسرائیل کند.

وی افزود: این هزینه کوتاهمدت است. هزینه بلندمدت؟ مالیات‌دهندگان آمریکایی برای دهه‌ها در پمپ بنزین پرداخت خواهند کرد، چه میراثی از خود به جا خواهند گذاشت !



ابرو القاسم سائى فرد

ها نباید منتظر شلیک سرداری مثل سیدمجید موسوی بود. قوه قضاییه باید با شلیک حکم قضایی بازداشت این عناصر در خدمت دشمن از مردم محافظت کند.

این اظهارات رسایی با واکنش یک مقام پیشین وزارت کشور همراه شد. روح الله جمعه‌ای با اشاره به اینکه حمید رسایی پیش از این سردار سلیمانی را اشعث خوانده بود نوشت:

سردار سلیمانی را اشعث کندی و ابوموسی اشعری خواندند، پس از شهادت حاج‌قاسمشان شد!

سرلشکر محمد باقری را ترور شخصیت کردند و پس از شهادت سردارشان شد!

علی لاریجانی را در حرم حضرت معصومه(ع) مُهرباران و به او ظلم کردند، پس از شهادت علی‌آقایشان شد!

اشاره جمعه‌ای به زمانی است که سردار قاسم سلیمانی در نامه‌ای از حسن روحانی به سبب یک موضع گیری از او تقدیر کرده بود و رسایی که در واکنش به آن تقدیر نامه سردار سلیمانی را به دستپوسی ابوموسی اشعری تشبیه کرد، اما پس از شهادت سردار سلیمانی را دنباله رو استادش مصباح یزدی خواند.

آشنا: به شهید لاریجانی مهر پرتاب نکنیم

حسام الدین آشنا مشاور رئیس جمهور در دولت زمان ریاست جمهوری حسن روحانی هم در نوشته‌ای به تقابل این تندروها با علی لاریجانی اشاره کرد و نوشت: خیابان را گروگان نگیریم. بدون اطلاع سخن نگوئیم. احتمالات دیگر را هم بررسی کنیم. چیزی نگوییم که بعدا شرم‌نده آن شویم. به شهید لاریجانی مهر پرتاب نکنیم. آشنا در مطلب دیگری نیز درباره مقاله ظریف در فارن افرز نوشت: عزیزان غیرتمند اگر مقاله فارن افرز را کامل بخوانید متوجه می‌شوید که بطن متن ظریف، هشدار به غربی‌ها در باره تغییر معادلات است. یادتان باشد نه کتاب را از جلدش قضاوت کنید و نه مقاله را از عنوانش! عنوان مقالات – حتی مقالات وارده – در نشریات اصلی توسط سردبیری تعیین می‌شود نه نویسند.

آتش زدن عکس ظریف در خیابان و واکنش ظریف

در همین تجمعات فیلمی هم منتشر شد که دختری بی حجاب عکس ظریف را به آتش می‌کشد. این تصویر از این دختر بی‌حجاب در حالی منتشر شده که تا همین چند ماه پیش گروه‌های تندرو در مجلس در پی تصویب طرح قانون عفاف و حجاب بودند و اگر جنگی رخ نمی‌داد احتمالاً می‌توانست این دختر می‌توانست یکی از اهداف گشت ارشاد باشد.

با این حال ظریف در واکنش به این تصویر منتشر شده نوشت: در توتیت‌ها از نخستین روز تجاوز تا دیروز و همچنین در یادداشت فارین‌افرز نوشتم و بازهم خواهم نوشت که ایرانی دل‌اور، آزاده و خودباور – که به گواه تاریخ هم صلح‌طلب بوده و هم توان رویارویی با متجاوزان جهان‌خوار را دارد – در برابر آدم خواران عصر حجری اِپِستینی، که کمر به نابودی انسانیت و فرهنگ و اخلاق بسته‌اند، هرگز و هرگز سر فرود نخواهد آورد. نظم جهانی درحال بازسازی و بازآرایی‌ست. و ما ایرانیان ملت ساختنیست؛ ملتی که به دنبال بازسازی، ساختن و مشارکت در «نظم شکیماهی پساقطبی» نوینی است که بشریت به آن نیازمند است، دخنم: در خیابان بمانید و به یاد رهبر شهید «ای ایران» بخوانید که ایران و آینده از آن شما و همه ایرانیان است.مانا و سربلند باشید.

دیپلمات قطری از مقاله ظریف تقدیر کرد؛ تسنیم آن را ارتجاعی خواند! واکنش‌ها به ظریف به همیجا ختم نشد. در حالی که برخی دیپلمات‌های منطقه‌ای مثل حمد بن جاسم، وزیر خارجه اسبق قطر مقاله ظریف را هوشمندانه و شجاعانه خواندند، تسنیم درک ظریف از تحولات بین‌المللی را ارتجاعی خواند.

البته هیچ یک از این واکنش‌ها تازگی ندارد. چون سیاستمدارانی مثل روحانی و ظریف و شهیدانی همانند سلیمانی و لاریجانی به هتاکی تندروها عادت داشته و دارند و هم جامعه ادبیات افراطیون را می‌شناسد. در همین روزهای گذشته که آمریکایی‌ها مدعی شده بودند که با محمدباقر قالیباف در حال مذاکره‌اند حتی رئیس مجلس نیز از گزند محمدباقر قالیباف نجات پیدا کرده است. پس از این نیز با قدرت ادامه می‌دهیم داد و هیچ نگرانی برای مردم ما در این خصوص وجود نخواهد داشت.



ابرو القاسم سائى فرد

وزیر جهاد کشاورزی : از ذخایر احتیاطی استفاده نکرده‌ایم

علاوه بر این روند ملایم و بدون تعطیل تولید در کشور است که استمرار دارد. ما ذخایر احتیاطی برای مواقع اضطراری داریم که تاکنون از آن‌ها استفاده نکرده‌ایم و موجودی ذخایر ما به حد کافی است. شرایط جوی و اقلیمی مناسب نیز به تولید مطلوب کمک کرده است، لذا جای هیچ‌گونه نگرانی در این خصوص وجود ندارد.

وزیر جهاد کشاورزی تعهد گفت: ما در وزارت جهاد کشاورزی و مجموعه همکارانمان در سراسر کشور، به اتفاق همه فعالان این زنجیره، این است که همانطور که تا به امروز امنیت غذایی و تأمین کالاهای اساسی و محصولات کشاورزی به بهترین نحو انجام شده است، پس از این نیز با قدرت ادامه خواهیم داد و هیچ نگرانی برای مردم ما در این خصوص وجود نخواهد داشت.

آگهی مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی خدمات بهداشتی درمانی نخبگان شفای لاهیجان (شماره ثبت ۱۱۲۹)

به استحضار کلیه اعضاء محترم می رساند مطابق مواد ۱۴،۱۵،۲۲،۲۵،۳۶،۳۷و دیگر مفاد قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳/۰۶/۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی و تایید مورخ ۲۴/۰۶/۱۳۷۰ شورای محترم نگهبان و اصلاحات مربوطه، جلسه مجمع عمومی عادی شرکت، روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۱/۳۰ ساعت ۲۱ در محل تعاونی به آدرس لاهیجان – کیلومتر ۲ جاده لنگرود – مرکز تصویر برداری پزشکی فارابی با دستور جلسه ذیل تشکیل می گردد .

۱- تصمیم گیری در خصوص گروه هیئت مدیره و بازرس بعدی

۲- انتقال و واگذاری سهام اعضا متقاضی قبلی و فعلی و انجام امورات اداری مربوطه

۳-اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش یا کاهش سرمایه شرکت تعاونی

توجه : در صورت به حدنصاب نرسیدن شرکت کنندگان در مجمع عمومی نوبت اول ، مجمع نوبت دوم در همان ساعت ۱۵/۰۲/۱۴۰۵ برگزار خواهد شد .

هیئت مدیره تعاونی

سقوط در آسمان ایران

وقتی شکارچی‌ها جای شکار نشستند

به گزارش تابناک، هیچ چیز ناگهانی نبود. این یک اتفاق لحظه‌ای یا تصادفی نبود. از همان لحظه‌ای که این پرنده‌ها وارد محدوده شدند، زیر نظر بودند. آسمان ساکت بود، اما زیر این سکوت، یک شبکه کامل در حال کار بود؛ رادارها، دیده‌بانی‌ها، تحلیل مسیر، تشخیص الگو. این‌جا دیگر مثل جاهای دیگر نبود که بشود راحت وارد شد، زد و برگشت. اولین اشتباه آنها همین بود؛ تصور کردند هنوز همان بازی قدیمی در جریان است.

یکی از این جنگنده‌ها، F-۱۵ Strike Eagle بود؛ پرنده‌ای که سال‌ها با آن عملیات کرده‌اند ، بمباران کرده‌اند و بدون دردرسر برگشته‌اند. در کنارش، گزارش‌ها از سقوط یک A-۱۰ Thunderbolt II هم می‌گوید؛ هواپیمایی که به زره و مقاومتش معروف است، به این‌که حتی با آسیب هم برمی‌گردد. اما این بار، قصه فرق داشت.

این بار، هدف فقط دیدن نبود؛ شکار بود.

رهگیری از چند لایه انجام شد. مسیرها خوانده شد، ارتفاع‌ها بررسی شد و در لحظه‌ای که کمترین انتظار وجود داشت، قفل نهایی بسته شد. این یعنی دیگر خبری از فرار ساده نیست. وقتی چند جهت همزمان وارد عمل شوند، حتی پیشرفته‌ترین جنگنده هم فرصت واکنش درست پیدا نمی‌کند؛ و بعد، همان لحظه‌ای که همه‌چیز را عوض می‌کند؛ برخورد.

در چند ثانیه، برتری تبدیل به سقوط می‌شود. جنگنده‌ای که با اعتماد به نفس آمده، تبدیل می‌شود به هدفی در حال سوختن. خلبانی که در حال اجرای مانوریت بوده، ناگهان وارد سناریوی بقا می‌شود. اجکت، فرود اضطراری، و بعد... سکوت.

از همین‌جا داستان وارد فاز دوم می‌شود؛ فازِی که برای آمریکا حتی از خود سقوط هم سنگین‌تر است.

گزارش‌ها از مفقود شدن حداقل یکی از خلبان‌ها خبر می‌دهد. یعنی هنوز یک نفر آن پایین است. زنده یا زخمی، پنهان یا سرگردان؛ و این یعنی یک بحران باز.

در همان لحظه، زمین هم بیدار می‌شود.

نیروهای امنیتی، یگان‌های عملیاتی، و مهم‌تر از همه، نیروهای مردمی وارد میدان می‌شوند. بسیج، نیروهای محلی، عشایری که این زمین را بهتر از هر نقشه‌ای می‌شناسند. جست‌وجو شروع شده؛ نه به شکل پراکنده، بلکه به‌صورت حلقه‌ای. منطقه به منطقه بسته می‌شود، مسیرها کنترل می‌شود، هر رد و نشانه‌ای بررسی می‌شود.

اینجا دیگر تکنولوژی تنها نیست؛ زمین دارد بازی می‌کند.

عشایری که سال‌ها در این مناطق زندگی کرده‌اند، حالا تبدیل به چشم‌های زنده این عملیات شده‌اند. کسی نمی‌تواند راحت جابه‌جا شود، کسی نمی‌تواند بدون دیده شدن حرکت کند. هر مسیر، هر دره، هر ارتفاع، زیر نظر است.

برای خلبانی که آن پایین افتاده، این یعنی زمان علیه اوست.

برای آمریکا، این یعنی یک سناریوی بدتر از بد. سقوط جنگنده، قابل هضم است؛ اما خلبان مفقود، یعنی بحران. یعنی فشار رسانه‌ای، یعنی نگرانی اطلاعاتی، یعنی یک ضربه مستقیم به اعتبار؛ و این دقیقاً همان جایی است که ماجرا از یک حادثه نظامی، تبدیل به یک رسوایی می‌شود. سال‌هاست که آمریکا با تکیه بر برتری هوایی، میدان را مدیریت کرده، وارد شده، رزه و برگشته. اما حالا، بعد از فرمول دارد می‌شکند. وقتی جنگنده‌ای مثل F-۱۵ در چنین شرایطی ساقط می‌شود، یعنی دیگر آن حاشیه امن وجود ندارد.

یعنی هر پرواز، یک ریسک واقعی است.

یعنی هر خلبان، قبل از بلند شدن، این احتمال را در ذهنش دارد که شاید برگشتی در کار نباشد.

این تغییر، کوچک نیست. این همان شکافی است که اگر عمیق‌تر شود، کل معادله را عوض می‌کند.

از نظر عملیاتی، این اتفاق نشان می‌دهد که یک لایه دفاعی واقعی شکل گرفته؛ نه روی کاغذ، نه در مانور، بلکه در میدان واقعی. لایه‌ای که می‌تواند کشف کند، صبر کند، و در لحظه درست ضربه بزند؛ و مهم‌تر از آن، این‌که این فقط یک مورد نیست؛ یک نشانه است.

نشانه‌ای از این‌که آن تصویری که سال‌ها ساخته شده بود، دیگر کامل نیست. این‌که آسمان منطقه، دیگر یک‌طرفه نیست. این‌که هر ورود، ممکن است به خروجی تبدیل شود که هیچ‌کس انتظارش را نداشته باشد. در دل این اتفاق، یک تصویر ماندگار شکل گرفته: تصویری از جنگنده‌ای که با اطمینان وارد می‌شود و در سکوت سقوط می‌کند. تصویری که بیشتر از هر تحلیل و گزارشی، حرف می‌زند؛ و حالا، در همان زمین، جست‌وجو ادامه دارد.

نه فقط برای پیدا کردن یک خلبان، بلکه برای تثبیت یک واقعیت:

اینجا دیگر آسمان امنی برای کسی نیست در اصل برای هیچ متخصصی امن نیست !

آگهی مناقصه فراخوان

یک مرحله ای

نوبت دوم

سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل و نقل

شهرداری سبزوار در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه

عمومی احداث ساختمان معاینه فنی خودروهای سبک

بیهقی به شماره فراخوان ۰۴۰۹۴۵۶۴۰۰۰۰۰۴ ۲۰۰۴ را از

طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه

پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق

درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد)به آدرس
www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.

زمان انتشار در سامانه :

اول۱۴۰۴/۱۲/۲۷ دوم ۱۴۰۵/۰۱/۱۶

مهلت دریافت اسناد : ۱۴۰۵/۱/۱۵

مهلت زمانی ارئه پیشنهاد : ۱۴۰۵/۱/۲۶

زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۵/۱/۲۹

تضمین شرکت در مناقصه شماره فراخوان

۰۴۰۹۴۵۶۴۰۰۰۰۰۴ مبلغ ۱/۲۸۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ابوالقاسم سائى فرد

رئیس سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل و نقل

